نشریه علمی- پژوهشی
پژوهشنامه ادبیات تعلیمی
سال ششم، شمارهٔ بیست و دوم، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۲۶- ۹۷

درونمایه‌های تعلیمی- اخلاقی در انیمیشن قصه‌های شاهنامه

دکتر غلامعلی فلاح*- اعظم برامکی**

چکیده

درونمایه‌های تعلیمی- اخلاقی چنان با ادبیات پارسی و انواع آن درآمیخته است که کمتر اثر ادبی را می‌توان یافت که از آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی بی‌بهره باشد. شاهنامه فردوسی اثری حماسی است اما آکنده از آموزه‌های اخلاقی چون دعوت به نیکی، تاکید بر خردورزی، دفاع از مظلوم، نکوهش ظلم، آز، دروغ، پیمان‌شکنی، تجاوز به حقوق دیگران و به طور کلی هر آنچه با بدی و زشتی پیوند دارد.

این مقاله سعی دارد درونمایه‌های تعلیمی- اخلاقی اقتباس شده از شاهنامه فردوسی و شیوه‌های اقتباس آن ها را در انیمیشن قصه‌های شاهنامه (به کارگردانی امیرمحمد یمینی و نویسندگی احمد نیک‌کار، تهیه شده در شبکه آموزش، ۱۳۸۹- ۱۳۸۸) مورد بررسی قرار دهد و از این گذر به چند پرسش اساسی پاسخ دهد: آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی و تکنیک‌های سینمایی به کارگرفته شده برای تبدیل این آموزه به تصویر و

* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران zmbaramaki@yahoo.com
** دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی تهران (نویسنده مسئول) zmbaramaki@yahoo.com

تاریخ وصول ۹۲/۱۱/۱۲ تاریخ پذیرش ۹۳/۲/۱۷

Archive of SID
www.SID.ir

انتقال آن ها به مخاطب در انیمیشن به چه صورت است؟ آیا کارگردان در استفاده از مفاهیم تعلیمی به متن اصلی وفادار است یا بخش‌هایی را به فیلم افزوده است؟ استفاده از نظام تصویری تا چه اندازه در القای این مفاهیم و تاثیر آن‌ها بر مخاطب موثر بوده است؟ پژوهش در پایان به این نتیجه دست می‌یابد که آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی از اندیشه های محوری انیمیشن است و با وجود وفادار بودن انیمیشن به متن اصلی، در بخش اقتباس آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی، بخش‌هایی به فیلم افزوده شده و بخش‌هایی با تاکید بیشتر پررنگ‌تر شده است. همچنین استفاده از نظام نشانه‌ای تصویری به جای نظام نشانه‌ای کلامی با توجه به نوع مخاطب انیمیشن که کودکان و نوجوانان هستند در القای اهداف آموزشی فیلم‌ساز بسیار موثر است.

واژه‌های کلیدی

شاهنامه، درونمایه‌های تعلیمی– اخلاقی، انیمیشن قصه‌های شاهنامه، اقتباس.

مقدمه

در انیمیشن قصه‌های شاهنامه، به ویژه داستان نبردهای ایران و توران، مفاهیم اخلاقی و تعلیمی به موازات مفاهیم حماسی بیان شده است. کاربرد مضامین اخلاقی و تعلیمی به اندازه‌ای است که اگر بگوییم این انیمیشن یک فیلم حماسی- تعلیمی- اخلاقی است، سخنی به‌گزاف نگفته‌ایم. هر چند سریال قصه‌های شاهنامه محصولی ادبیات‌مبناست و فراوانی مضامین تعلیمی و اخلاقی در آن، نشان‌دهنده فراوانی این مضامین در متن اصلی یعنی شاهنامه است اما تاکید بر بعضی آموزه‌های اخلاقی و افزودن بعضی آموزه‌های تعلیمی در بخش‌هایی از اثر، نشان‌دهنده اهمیت آن ها نزد کارگردان و تهیه کننده سریال است.

Archive of SID

www.SID.ir

این پژوهش سعی می‌کند با بررسی و تحلیل آموزه‌های اخلاقی- تعلیمی در انیمیشن قصه‌های شاهنامه، مضامین اقتباس شده و شیوه‌های اقتباس آن ها را مورد تدقیق قرار دهد و از این گذر به دو پرسش اساسی پاسخ دهد:

۱- انیمیشن قصه‌های شاهنامه در استفاده از مضامین تعلیمی به متن اصلی وفادار است یا بخش‌هایی را به فیلم افزوده است؟

۲- آموزه‌های تعلیمی- اخلاقی اقتباس شده از شاهنامه فردوسی در انیمیشن قصه‌های شاهنامه با چه تکنیک‌های سینمایی نمایش داده شده‌اند و استفاده از این تکنیک‌ها تا چه اندازه در القای هدف مورد نظر کارگردان موثر بوده است؟

برای نیل به این مقصود ۱۳ قسمت از انیمیشن قصه‌های شاهنامه که دربرگیرنده داستان خاقان چین و کاموس کشانی است، انتخاب و سعی شده است تا بیشتر مضامین تعلیمی و اخلاقی مطرح شده در این بخش‌ها و شیوه‌های تبدیل این مضامین به تصویر مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. پژوهش در پایان به این نتیجه دست می‌یابد که مضامین تعلیمی و آموزه‌های اخلاقی و انعکاس آن ها در انیمیشن از مهم ترین محورهای فکری آن است و با وجود وفاداری فیلم به متن اصلی، در بخش اقتباس آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی، کارگردان از آزادی بیشتری بهره می‌برد.

پیشینه تحقیق

در زمینه آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی شاهنامه فردوسی، کتاب‌ها و مقالات بسیاری نگاشته شده است از جمله: کتاب «بیا تا جهان را به بد نسپریم (پیام اخلاقی حکیم ابوالقاسم فردوسی)» تالیف میرزا ملا احمد، مقاله «ادبیات تعلیمی و تربیتی در شاهنامه فردوسی» نوشته مریم خلیلی‌جهان‌تیغ و مهدی دهرامی، مقاله «بررسی تطبیقی اشعار تعلیمی فردوسی و حافظ» نوشته احمدرضا یلمه‌ها (ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد دهاقان، دوره ۳، ش۱۱، پاییز ۱۳۹۰: ۱۵۳- ۱۷۵) و مقاله «مبانی و کارکردهای شهریاری در

Archive of SID

www.SID.ir

شاهنامه و اهمیت آنها در سنجش خرد سیاسی در ایران» نوشته باقر پرهام. اما پژوهشی که مستقلاً به بررسی مفاهیم تعلیمی در فیلم‌های اقتباس‌شده از شاهنامه فردوسی، به ویژه انیمیشن قصه‌های شاهنامه پرداخته باشد، انجام نگرفته است. احساس نیاز به انجام چنین پژوهشی نگارندگان را بر آن داشت تا دست به نگارش مقاله حاضر بزنند.

تعاریف و مفاهیم

منظور از ادبیات تعلیمی، «ادبیاتی است که نیکبختی انسان را در بهبود منش اخلاقی او می‌داند و همّ خود را متوجه پرورش قوای روحی و تعالیم اخلاقی انسان می‌کند. ادبیات تعلیمی طیف وسیعی از ادبیات فارسی را تشکیل می‌دهد؛ پند و اندرز، آموزه‌های زهدآمیز و اخلاقیات، گونه‌های رنگارنگ ادبیات تعلیمی فارسی است» (مشرف، ۱۳۸۹: ۹). این آثار یا «دانشی را برای خواننده تشریح می‌کنند یا مسائل اخلاقی، مذهبی و فلسفی را به شکل ادبی عرضه می‌دارند» (شمیسا،۱۳۸۳: ۲۷). بنابراین ماهیت اصلی ادبیات تعلیمی، نیکی، حقیقت و زیبایی است. ادبیات تعلیمی در آثار نویسندگان قبل از اسلام نیز دیده می‌شود اما بعد از ورود اسلام به ایران، نویسندگان ایرانی، با پذیرش فرهنگ اسلامی، تعالیم اخلاقی دین اسلام را در آثار خود گسترش دادند.

بخش مهمی از این نوع ادبی را آثار منظوم تشکیل می‌دهد؛ یعنی اشعاری که آموزش اخلاقیات برای بهبود منش انسان و پرورش روح و نیکبختی او در آن‌ها اصلی اساسی است. بنابراین شعر تعلیمی که شاخه‌ای از ادبیات تعلیمی است پا به عرصه حضور نهاد. در این اشعار «هدف سراینده ... آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی یا علوم و فنون است» (ر.ک.رزمجو، ۱۳۷۰: ۷۷). با نگاهی کلی به ادبیات پارسی در طول تاریخ حیاتش دیده می‌شود که استفاده از اخلاقیات، در همه دوره‌ها یکی از مهمترین دغدغه‌های شاعران پارسی‌گو بوده است و شاعران بسیاری با هدف

Archive of SID

www.SID.ir

تعلیم مبانی اخلاقی و فلسفی دست به سرودن منظومه‌های کم‌نظیری زده‌اند که «وجـود این اندرزنامه‌های مستقل، دلیلی بر قدمت و اهمیت ادبیات تعلیمـی در فرهنـگ ایرانـی است» (رضی، ۱۳۹۱: ۱۱۳).

شاهنامه فردوسی هر چند یکی از شاهکارهای حماسی جهان است اما در عین حـال مشحون به مضامین اخلاقی، حکمی، فلـسفی و بـشردوستانه اسـت. فردوسـی مفـاهیم تعلیمی و اخلاقی خود را به دو صورت بـه مخاطـب عرضـه مـی‌کنـد: یـا بـه صـورت «گفتارهای مستقیم تعلیمی و اخلاقی که در لابه لای شاهنامه پراکنـده اسـت و از زبـان شخصیت های داستان ها و یا از زبان فردوسی در پایان داسـتان‌هـا و بـه عنـوان نتیجـه گیری‌های اخلاقی داستان بیان شده است» و یا «زیرساخت داستان‌ها و موضـوع اصـلی بر پایه اندیشه‌ای اخلاقی شکل گرفته است» (خلیلی جهان‌تیـغ و دهرامـی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۱) از این‌رو استفاده از شاهنامه و داستان‌های حکمت‌آموز آن، یکی از شیوه‌های مـوثر تربیتی است که نظام آموزشی کشور می‌تواند برای آموزش مضامین اخلاقی به کودکـان و نوجوانان به خوبی از آن بهره ببرد زیرا «امروزه جنبه تعلیمی ادبیات بـیش از همـه در کتاب‌هایی که برای کودکان انتشار می‌یابد ظهور دارد و اصولا آثار ادبی کودکان، ماهیتی آموزشی دارند و هسته مرکزی ادبیات کودک را در نزد همه ملل، تعلیم تشکیل می‌دهد» (رضی،۱۳۹۱: ۱۰۷). با توجه به رده‌های سنی این مخاطبان، استفاده از هنرهای فراگیر و تاثیرگذار به ویژه فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی، یعنی اقتبـاس و تـصویری کردن این آموزه‌ها، گام مهمی در این زمینه خواهد بود.

در فرهنگ اصطلاحات ادبی و نظریه ادبی، نوشته جـی.آی. کـادن (J.A.Cuddon) اقتباس این گونه تعریف شده است: «بازآفرینی یک اثر از یک زبان بیان در زبـان بیـانی دیگر (یعنی از یک نظام نشانه‌ای به نظام نـشانه‌ای دیگـر)، مثـل بـازآفرینی رمـان‌هـا و نمایشنامه‌ها به صورت فیلم یا سناریوی تلویزیونی» (cuddon,1999: 8)؛ بنابراین در

Archive of SID

www.SID.ir

اقتباس همیشه متنی با تغییرات آفرینش‌گرانه به متنی دیگر تبدیل می‌شود. به‌عبارت دیگر، اقتباس برداشتی خلاقانه از متن اولیه است. در اقتباس سینمایی، فیلم‌ساز اقتباس‌گر ممکن است بخش‌هایی از متن اول را نادیده بگیرد و قسمت‌هایی را به آن اضافه کند، بخش‌هایی از متن اولیه را برجسته‌تر کند و بخش‌هایی را کمرنگ‌تر جلوه دهد. از سوی دیگر هر چه متن اصلی عینی‌تر باشد، یعنی به بیان گفتارها و رفتارهای بیرونی شخصیت‌ها که شنیده و دیده می‌شود بپردازد و عینی‌تر باشد، تبدیل آن به سینما و تصویر امکان‌پذیرتر خواهد بود؛ به عبارت دیگر، نویسنده یا گوینده باید «چنان بنویسد یا بگوید که اعمال، افعال یا کردارهای نمایشی (دیدنی) و قابل تجسم پیش چشم مخاطب شکل گیرد. به عبارت دیگر، آنچه گزارش یا بیان می‌شود، جنبه اجرایی(نمایشی) و عمل‌پذیر داشته باشد» (ضابط جهرمی،۱۳۸۷: ۲۸).

اما باید توجه داشت که در کنار این جنبه‌های ملموس و عینی یا به عبارت بهتر واقعیات بیرونی، بخشی از وقایع سینمایی امور انتزاعی و غیرملموس هستند و سینما برای نشان دادن این واقعیات بیرونی و درونی و امور عینی و ذهنی امکانات و ابزارهایی در اختیار دارد؛ «این ابزارهای بیانی سینما عبارتند از: الف- دسته تصویری: شامل عملکرد بیانی دوربین و تمام انواع تاثیراتی که دوربین در نحوه دیدن، همچنین ضبط تصویر به فیلم خام دارد. بنابراین از قاب‌بندی گرفته تا زاویه فیلم‌برداری، جلوه-های بصری و اپتیکی عدسی‌ها، سرعت‌های مختلف فیلم‌برداری، حالت‌های ایستا و یا متحرک دوربین در این دسته قرار می‌گیرند. ب- دسته صوتی: شامل به کارگیری انواع صداها، کلام بازیگران، جلوه‌های صوتی (همچنین موسیقی) و انواع شیوه‌هایی است که برای پیوند و تلفیق صداها وجود دارد. ج- دسته نمایشی: شامل بازی بازیگران، دکور، گریم، لباس، نورپردازی و میزانسن. د- دسته روایتی: شامل داستان و یا موضوع فیلم و به طور کلی فنون مربوط به روایت که عمدتاً فیلمنامه و مونتاژ (Montage) (تدوین)

Archive of SID

www.SID.ir

را در برگیرد. هرچند مونتاژ در همه دسته‌ها و زمینه‌ها به صورتی ضعیف یا قوی قرار دارد» (ضابط جهرمی،۱۳۸۷: ۱۸).

نکته دیگری که در رابطه با اقتباس بسیار حائز اهمیت است و منتقدان سینما به آن بسیار توجه کرده‌اند، انواع اقتباس است. از این منظر اقتباس را به دو نوع طبقه‌بندی کرده‌اند: اقتباس وفادار و اقتباس آزاد (Free and faithful adaptation). در اقتباس وفادار تلاش اقتباس‌گر بر این است که «تا حد ممکن، منبع ادبی را در قالب سینما بازآفرینی‌کند» (جانتی،۱۳۸۱: ۲۴۲). یعنی اقتباس‌گر تمام تلاش خود را برای انتقال پیرنگ، شخصیت‌ها، زمان و مکان داستان و سبک نویسنده به کار می‌برد. در اقتباس آزاد «عموماً یک ایده، یک موقعیت یا یک شخصیت را از منبع ادبی می‌گیرند و آن را به گونه‌ای مستقل می‌پرورند» (همان:۲۴۱). در این نوع اقتباس نسبت به اقتباس وفادار، دست فیلمساز برای خلاقیت و آفرینش بازتر است و او هیچ الزامی برای تبدیل همه عناصر داستان به فیلم ندارد. در ترجمه آزاد، ویژگی‌های کلی اثر حفظ می‌شود اما جزئیاتی به متن اصلی اضافه یا از آن کم می‌شود.

قصه‌های شاهنامه انیمیشنی است به کارگردانی امیرمحمد یمینی و نویسندگی احمد نیک‌کار که در سال ۸۹-۱۳۸۸ در شبکه آموزش تهیه شده است و سروش‌سیما آن را در قالب هفت دی وی دی روانه بازار محصولات فرهنگی خود کرده است. در این پژوهش، از مجموعه داستان‌های نبرد ایرانیان با تورانیان، داستان کاموس کشانی و داستان خاقان چین انتخاب شده است که مجموعاً ۱۳ قسمت از انیمیشن قصه‌های شاهنامه را به خود اختصاص داده است. مهمترین مضمون تعلیمی بازنمایی شده در این فیلم، تقابل خیر و شر است که در قالب دو مقام بزرگ برپادارنده خیر و شر یعنی کیخسرو و افراسیاب بازنمایی شده است. بیشتر شخصیت‌های داستان متعلق به یکی از این دو نیرو هستند؛ یعنی یا افرادی نیک هستند، همچون کیخسرو، رستم، گیو، گودرز

Archive of SID

www.SID.ir

و به طور کلی سپاهیان ایران و یا افرادی خبیث، متجاوز، نابخرد و ظالم همچون افراسیاب، هومان، کاموس کشانی، خاقان چین، شنگل و افرادی که در سپاه افراسیاب به سر می‌برند. شاید تنها شخصیتی که در این داستان حضوری انسانی دارد یعنی «مخلوقی است در برزخ فرشته و حیوان» (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۵)، پیران است؛ شخصیتی که وجود او همواره محل نزاع دو نیروی اهورایی و اهریمنی است و این از سرشت طبیعی او به عنوان یک انسان سرچشمه می گیرد زیرا «انسان ترکیبی است از دو جنبه روحانی و آسمانی و از طرف دیگر جسمانی و زمینی» (همان:۶). در این جستار، بررسی مضامین تعلیمی – اخلاقی در انیمشین قصه‌های شاهنامه با توجه به اهمیت و گستردگی مضمون تقابل خیر و شر، با این مضمون شروع می‌شود.

۱. تقابل خیر و شر

داستان نبردهای کیخسرو با افراسیاب یکی از جامع‌ترین الگوهای تقابل خیر و شر در شاهنامه و در مجموعه ادب پارسی است. «ظهور کیخسرو نویددهنده تحول عظیمی است که بنا به باورهای آریایی و به ویژه بنا به اساطیر زرتشتی باید در پایان جهان رخ دهد. این دگرگونی شگفت‌آور همان پیروزی فرجامین نور بر ظلمت است» (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷: ۱۱۸). «همچنان که کیخسرو به عنوان شاه بوختار (نجات‌بخش) مظهر نیروهای اهورایی در زمین است، نماینده قوای دوزخی نیز افراسیاب تورانی است و جنگ بزرگ کیخسرو و افراسیاب در پایان این دوره، تصویری است حماسی از جنگ بزرگ رستاخیزی» (سرکاراتی، ۱۳۷۸: ۱۱۲).

تقابل دو نیروی اهریمنی و اهورایی در شاهنامه سبب شده است تا همچنان که کیخسرو نماینده نیکی، زیبایی، عدالت‌گستری، دانایی، قدرشناسی و تمام صفت‌های اهورایی است، افراسیاب نیز با همه مظاهر اهریمنی و شیطانی پیوندی نزدیک داشته

Archive of SID

www.SID.ir

باشد؛ به گونه‌ای که با جادوگری، پیمان‌شکنی، ظلم، قتل، بی‌خردی و دروغ پیوندی ناگسستنی دارد. نه تنها این دو پادشاه بلکه تمام افرادی نیز که به نوعی به آنان منسوب می‌شوند نیز از خوی و خصلت آنان بهره مند هستند. سرداران ایرانی پهلوان، جوانمرد، راستگو، نجات‌بخش و سرداران تورانی نیرنگ‌باز، دروغگو، جادوگر و خونخوار هستند. در حقیقت «مبارزه نیکی با بدی از مسائل مرکزی شاهنامه فردوسی بوده و از ابتدا تا انتهای اثر نمود پیدا کرده‌است. به طوری که معلوم‌است این موضوع در اخلاق و فلسفه ایران باستان مقام اساسی داشته‌است. و در اوستا به طور واضح در سیمای اهورا مزدا و اهریمن تجسم یافته‌است» (میرزا ملا احمد، ۱۳۸۸: ۶۱)؛ بنابراین می‌توان نبرد نیکی با بدی را یکی از مهمترین درون مایه‌های نبردهای ایرانیان و تورانیان، به ویژه در داستان نبرد کیخسرو و افراسیاب دانست. به نظر نگارندگان، کارگردان سریال قصه‌های شاهنامه مضمون نبرد خیر و شر را در داستان های شاهنامه به خوبی تشخیص داده و تمام تلاش خود را برای انعکاس آن به کمک تکنیک‌های روایی و سینمایی از جمله شخصیت‌پردازی، چهره‌پردازی، استفاده از ویژگی و تاثیر رنگ، برجسته کردن ویژگی‌های اخلاقی شخصیت ها و حضور راوی در انیمیشن به کار بسته است.

۱-۱. شخصیت‌پردازی (Characterization)

یکی از مهمترین شیوه‌هایی که کارگردان انیمیشن قصه‌های شاهنامه برای نشان دادن نیکی و بدی اشخاص به کار گرفته است، شخصیت‌پردازی است؛ یعنی برای معرفی شخصیت‌ها از یک سو تکنیک‌های سینمایی چون چهره‌پردازی شخصیت‌ها و استفاده از کلوزآپ چهره آنان، رفتار و گفتار آن ها و استفاده از رنگ را به خدمت می‌گیرد و از سوی دیگر از تکنیک حضور راوی، استفاده از جام جهان‌نما و نمایش و قرائت اشعار شاهنامه استفاده می‌کند زیرا برای معرفی شخصیت‌ها هرآنچه مربوط به گفتار، رفتار و فضا در داستان است، به نحوی بار این شناخت تدریجی را به دوش می‌کشد.

Archive of SID

www.SID.ir

۱-۱-۱. کاربرد رنگ در شخصیت‌پردازی

با توجه به نوع رسانه سینما و تصویری بودن آن، استفاده از رنگ در ترکیب لباس شخصیت‌ها، یکی از تکنیک‌های مهم برای نشان دادن منش و ویژگی‌های درونی آن‌ها به شمار می‌رود زیرا «پوشش و اصولاً ظاهر انتخابی شخصیت گاهی به عنوان نشانه یا علامت قراردادی خاصی برای ارتباط با تماشاگر به کار می‌رود» (امامی،۱۳۷۳: ۳۴). کارگردان سریال قصه‌های شاهنامه، آگاهانه از این تکنیک برای نشان دادن شخصیت اهورایی کیخسرو در برابر شخصیت اهریمنی افراسیاب استفاده کرده است؛ کیخسرو شخصی خردمند و دوراندیش است، همواره سرداران خود را به آرامش دعوت می‌کند، از خشم و غرور بر حذر می‌دارد، بر عقل و خرد تاکید می‌کند، با سرداران خود مشورت می‌کند و برای هر کدام از پهلوانان و سرداران سپاه، مرتبه و مقامی در نظر دارد و به آنان احترام می‌گذارد. در مقابل، افراسیاب معمولاً خشمگین، پرخاشگر، خودرای و متکبر است و در فکر نابودی نیروهایی است که به هر دلیلی در مقابل او قرار می‌گیرند.

کیخسرو در انیمیشن با چهره‌ای زیبا و لباسی به رنگ سبز و آبی که هر دو از رنگ‌هایی هستند که جنبه‌ای عرفانی و مقدس دارند، حضور می‌یابد. در بعضی سکانس‌های فیلم، نمایش چهره او در حالی که دستانش را به سمت آسمان بلند کرده است و خورشید در پشت سر او قرار دارد به او حالتی مقدس و پیامبرگونه می‌دهد. «کیخسرو از همان آغاز، شهریاری نورانی و درخشان شمرده شده است. چهره‌اش بس منور توصیف شده است گویی که از خورشید گوی سبقت ربوده باشد. او در نخستین دیدار با گیو پهلوان به صورت جوانی زیبا، نورانی با جامی در دست و دسته گلی بر گیسو و در کنار چشمه‌ای درخشان توصیف گردیده است» (حمیدیان، ۱۳۷۲: ۳۱۲).

برای درک بهتر کاربرد رنگ‌ها در القای مضمون مورد نظر کارگردان، به مفهوم، کاربرد و تاثیر این رنگ ها اشاره می‌شود تا نشان داده شود انتخاب رنگ‌های مناسب تا

Archive of SID

www.SID.ir

چه اندازه می‌تواند در القای هدف مورد نظر کارگردان موثر باشد و رنگ‌ها تا چه اندازه می‌توانند بار معنایی یک مضمون را بر دوش بکشند.

رنگ سبز که بخش زیادی از لباس کیخسرو را دربرمی‌گیرد، «در میان طیف‌های رنگی، رنگ وسط و متعادل است؛ نه مانند زرد اثر محرک و هیجان‌آور دارد و نه مانند آبی مسکن و غیرفعال است. رنگ سبز از ثبات عقیده و خودشناسی حکایت دارد. اگر رنگ زرد را نماد خرد و دانش و رنگ آبی را نماد معنویت و ایمان بدانیم، سبز مظهر عقل و ایمان و رنگ تعالی و کمال است. سبز نماد ایمان و کمال و رنگ بهشتی است و از آنجا که در سبز ایمان و اطمینان مشهود است، نزد مسلمانان رنگ مقدس محسوب شده و مردم میان این رنگ و پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرین ارتباط برقرار می‌کنند. همچنین سبز نماد حیات و فناناپذیری و جاودانگی است» (محمودی،۱۳۸۷: ۷۵).

رنگ آبی نیز «رنگ آرامش‌بخش است و استفاده از ترکیبات رنگ آبی همانند کبود و فیروزه‌ای در اماکن زیارتی و در محراب‌ها و کاشی کاری‌های مساجد و زیارتگاه‌ها فضای آرام‌بخش و معنوی را برای انسان به وجود می‌آورد و در انسان احساس بی‌نهایت را ایجاد می‌کند» (همان، ۷۸). «رنگ زرد برخلاف آبی که رنگی درون‌گراست، برون‌گرا و هشداردهنده است و انسان را به خردورزی و دانایی برمی‌انگیزد... اگر به سبک و شکل هندسی، رنگ زرد (مثلث) خیره شوید، ویژگی گستاخ و مهاجمش آشکار می‌شود و در ما تاثیری شگرف می‌گذارد» (همان: ۷۳).

کارگردان انیمیشن با آگاهی از مفهوم و تاثیر رنگ‌ها بخشی از پیام متن اصلی را از طریق به کارگیری رنگ‌ها منتقل کرده است، چنان که لباس کیخسرو با ترکیب رنگ‌های سبز و آبی بیان کننده جنبه هایی از شخصیت اوست: ویژگی‌هایی چون آرامش، امیدواری، معنویت، جاودانگی و فناناپذیری و تقدس پیامبرگونه او. همچنین انتخاب رنگ زرد بر بالای سر او به صورت تاجی زرین، در کنار این مجموعه آرامش و

Archive of SID

www.SID.ir

معنویت، نشان از خردمندی و خردورزی او دارد تا جایی که در بعضی از سکانس‌ها قرار گرفتن خورشید که هم زرد است و هم مقدس، در پشت سر کی‌خسرو هاله‌ای از خردمندی و تقدس را بر گرد این پادشاه خردمند و پیامبر آیین ایرانی می‌گستراند.

در مقابل، لباس افراسیاب با رنگ زرد با نوارهای باریک آبی رنگ، نشان از خشم و تندی مزاج او و بهره اندک او از معنویت و ایمان است. بنابراین انتخاب و ترکیب رنگ‌های مناسب با همدیگر یکی از ابزارهایی است که برای القای یک مفهوم و اندیشه بسیار یاری کننده است و در این انیمیشن به خوبی از آن استفاده شده است.

۲-۱-۱. چهره پردازی (Face processing)

چهره پرانرژی‌ترین و عالی‌ترین عضو بدن در مکانیسم ارتباط آدمی است؛ بنابراین یکی از ابزارهای مهم در رسانه های تصویری و سینمایی استفاده از چهره شخصیت‌هاست. یکی از جنبه‌های شخصیت‌های مهربان، شرور، ستمگر، دروغگو و جادوگر در رسانه‌های تصویری به ویژه برای مخاطبان کودک و نوجوان که همواره در ذهن آن‌ها باقی می‌ماند چهره شخصیت‌هاست. در انیمیشن قصه‌های شاهنامه، چهره افراسیاب معمولاً خشمگین است و در حالی که شمشیر از نیام کشیده است فریاد می‌کشد و یا دستور قتل و غارت صادر می‌کند. برای مثال وقتی خبر شکست سپاه توران از سپاه ایران به افراسیاب می‌رسد، دوربین با نشان دادن نمای درشت چهره افراسیاب در حالی که بسیار خشمگین است، سعی در ایجاد نوعی رابطه عاطفی بین تماشاگر و شخصیت دارد تا تماشاگر به عمق احساسات و حالات روحی شخصیت پی ببرد زیرا استفاده از نمای درشت یکی از موثرترین ابزارها برای بیان کیفیت و موقعیت حسی و درونی شخصیت است. «نمای درشت (کلوزآپ) برای رساندن احساسات، واکنش‌ها و حالات روحی شخصیت به بازیگر بسیار موثر است. بین تماشاگر و شخصیت درگیر، احساس زیادی خلق می‌کند و بیننده را وامی‌دارد تا فقط روی

Archive of SID

www.SID.ir

شخصیت و نه چیز دیگری تمرکز کند» (کینگزبرگ، ۱۳۷۹: ۱۴۰). علاوه بر چهره‌پردازی و استفاده از رنگ‌ها، کردار و گفتار کیخسرو و نقطه مقابل او یعنی افراسیاب، در معرفی شخصیت آن دو به مخاطب بسیار موثر است.

۳-۱-۱. برجسته کردن صفت پرهیز از خشم در کیخسرو

کیخسرو همواره سرداران خود را از خشم و تعدی به دیگران برحذر می‌دارد؛ از جمله وقتی توس را به عنوان فرمانده سپاه ایران برای نبرد با تورانیان بر می‌گزیند، از آنجا که توس فردی تندخوست، گیو را به عنوان مشاور توس انتخاب می‌کند و به او دستور می‌دهد که بدون مشورت با گیو هیچ اقدامی نکند. سپس آن دو را از خشم بر حذر می‌دارد و به آنان سفارش می‌کند که با تندخویی کار ساده را بر خود سخت نکنند. کارگردان برای این که مخاطب از تبعات و مضرات تندخویی و خشم و درستی تصمیم کیخسرو برای همراهی گیو با توس آگاه شود، هنگامی که کیخسرو درباره پرهیز از خشم سخن می‌گوید، بخش هایی از داستان نبرد توس با فرود و کشته شدن فرود را با استفاده از تکنیک مونتاژ «تطبیق کنش با گفتار» نشان می‌دهد؛ یعنی همزمان با سخنان کیخسرو، تصاویر نبرد طوس و فرود نشان داده می‌شود. این بخش جزو بخش‌های الحاقی داستان است و در متن اصلی شاهنامه وجود ندارد.

درستی تصمیم کیخسرو برای انتخاب گیو به عنوان مشاور توس در دو جای داستان به خوبی نشان داده شده است: نخست وقتی هومان سعی می‌کند با حیله و ترفند توس را فریب دهد و وقت‌کشی کند، به توس می‌گوید: آمدن تو به میدان جنگ کار درستی نیست زیرا اگر کشته شوی ایرانیان بدون فرمانده می‌مانند. توس نیز به گفتگو با او مشغول می‌شود اما گیو به موقع سر می‌رسد و او را از نیرنگ هومان بر حذر می‌دارد. دیگر بار وقتی است که توس پس از شکست سپاه ایران ناامید می‌شود اما گیو به او امیدواری می‌دهد و از او می‌خواهد به پروردگار امید ببندد و بداند که یاورشان خواهد

Archive of SID

www.SID.ir

بود. این خصلت انسانی کیخسرو در دیگر داستان های شاهنامه به وفور دیده می‌شود؛ مثلاً در داستان دوازده رخ، کیخسرو به گودرز دستور می‌دهد که به ظلم و بیداد با تورانیان برخورد نکند و آبادانی‌ها را ویران نسازد زیرا به اعتقاد او خداوند بدی کردن را نمی‌پسندد و جهان چون کاروانسرایی است و آنان چند صباحی بیشتر در آن زندگی نمی‌کنند.

این در حالی است که تورانیان در اندیشه ویرانی و نابودی کامل ایران‌زمین و از بین بردن ایرانیان هستند، تا جایی که حتی پیران که نیک‌سرشت‌ترین تورانی این داستان است و کیخسرو بسیار درباره او به رستم و دیگر سرداران سپاه سفارش می‌کند، در آرزوی نابودی کامل ایران است؛ وقتی سپاه خاقان چین و فرطوس به کمک سپاه توران می‌آیند، پیران به هومان می‌گوید:

ز لشکر هر آن کس که آید به دست — سرانشان ببرم به شمشیر پست
بسوزم دهم خاک ایشان به باد — نگیریم زان بوم و بر نیز یاد
سه بهره از آن پس برانم سپاه — کنم روز بر شاه ایران سیاه...
زن و کودک و خرد و پیر و جوان — نمانم که باشد تنی با روان
بر و بوم ایران نمانم به جای — که مه دست بادا ازیشان نه پای
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۶۵- ۱۶۴)

۴-۱-۱.برجسته کردن مشورت‌خواهی کیخسرو

کیخسرو معمولاً قبل از اقدامات مهم با سرداران ایرانی به ویژه با رستم مشورت می‌کند. رستم نیرویی است که همیشه در کنار شاهان ایرانی و ایرانیان بوده و کسی است که کیخسرو را از توران، سرزمین ظلمت و اهریمن، نجات می‌دهد و همیشه در کنار اوست. حضور رستم به عنوان سمبل قدرت و توان جسمی در کنار اندیشه و نیروی جوانی کیخسرو، یکی دیگر از درونمایه‌های این داستان را تشکیل می‌دهد: درونمایه همراهی نیروی جسمانی با اندیشه جوانی. فردوسی مشورت کردن کیخسرو با رستم را در یک بیت خلاصه می‌کند:

Archive of SID

www.SID.ir

همـــان رای زد بـــا تهمـــتن بـــرآن چنـــین تـــا رخ روز شـــد در نهـــان
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۹۹/۴)

کارگردان در دو جای فیلم این همراهی را به خوبی نشان می‌دهـد: نخـست در آغـاز فیلم وقتی کیخسرو برای ملاقات با پهلوانان وارد قصر مـی‌شـود، رسـتم همـراه او وارد دربار می‌شود و در تمام مدتی که کیخسرو مشغول صحبت و شـماتت پهلوانـان اسـت، رستم در کنار تخت او ایستاده است. جای دیگر هنگامی است که کیخسرو برای بررسی نقشه جنگ با تورانیان با رستم به مشورت می‌پردازد؛ در اینجـا نیـز کـارگردان بـا ارائـه نمایی از حضور رستم و کیخسرو، در حالی که دوربین آن دو را از بالا نشان می‌دهـد و کیخسرو دست‌هایش را روی نقشه جنگ قرار داده و رستم در حال توضیح برنامه خـود برای جنگ است، به خوبی توانسته است حالت اطمینان و اعتماد به نفس کیخسرو را با توجه به حضور رستم نشان دهد.

۵-۱-۱. برجسته کردن صفت تواضع و فروتنی کیخسرو

کیخسرو به عنوان پادشاه آرمانی ایران با پهلوانان و سرداران سپاه خود رفتاری انسان دوستانه دارد و برای هر یک از آنان مرتبه و مقامی ویژه در نظر دارد؛ ارجمندترین ایـن پهلوانان در نزد او رستم است، به گونه‌ای که وقتی رستم از جنگ باز می‌گـردد، شخـصاً به پیشواز او می‌رود و برای سالم برگشتن سپاهیان ایران، خداوند را سپاس می‌گوید، تـا جایی که رستم به این کار وی اعتراض می‌کند و می‌گویـد: ای پادشـاه دلیـر هـیچ گـاه ندیدم که شاهی بزرگ چون تو به پیشواز سربازی کوچک چون من بیاید؛ اما کیخـسرو همچنان به تواضع خود در برابر رستم ادامه می‌دهد و می‌گوید: ای تهمتن تا کنون هـیچ پهلوانی چون تو زاده نشده است. کیخسرو حتی توس را که با تندخویی و بی خردی از فرمان او سرپیچی کرده بود و بـرادرش فـرود را کـشته بـود بخـشید و بـار دیگـر او را فرمانده سپاه قرار داد. کارگران در استخدام این مضمون به متن شاهنامه وفادار اسـت و

Archive of SID

www.SID.ir

این بخش را بدون افزودن یا کاستن به تصویر تبدیل کرده است.

۶-۱-۱. برجسته کردن قدرشناسی کیخسرو

کیخسرو نسبت به رعایت حقوق رستم و دیگر پهلوانان و سرداران خود بسیار دقیق است. وقتی توس را به عنوان فرمانده سپاه ایران برای نبرد با تورانیان می‌فرستد، گیو را که در نجات او از توران و آوردن او به ایران رنج فراوانی را تحمل کرده بود، می‌ستاید و به او می‌گوید: تو برای نجات من از سرزمین توران رنج بسیار بردی اما از گنج من بی بهره ماندی و مقام مشاور توس را به او می‌دهد. کیخسرو نه تنها نسبت به خدمات اطرافیان خود قدرشناس است بلکه در مورد پیران که زمانی او و مادرش را نجات داده بود، با وجود آن که پیران اکنون در جبهه مقابل او قرار داشت، به رستم و دیگر سرداران رعایت احترام او را توصیه می‌کند رستم نیز به احترام کیخسرو با پیران بسیار مدارا می‌کند و او را پیران نیک‌سرشت می‌نامد. توس نیز درباره سفارش کیخسرو در حق پیران و احترامی که برای پیران قائل است به هومان می‌گوید:

مرا شاه ایران چنین داد پند — که پیران نباید که یابد گزند
که او ویژه پروردگار من است — جهاندیده و دوستدار من است
به بیداد بر خیره با او مکوش — نگه کن که دارد به پند تو گوش
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۲۹)

این مضمون نیز بارها در سریال مورد توجه کارگردان قرار گرفته است و در بیان این مضمون به متن شاهنامه وفادار مانده است و از طریق تصویر و قرائت اشعار این مضمون را به مخاطب عرضه می‌کند.

۷- ۱-۱. برجسته‌کردن پیمان‌شکنی افراسیاب در برابر وفاداری کیخسرو

افراسیاب، پیران و هومان جز فریب و دروغ نمی‌گویند. افراسیاب پادشاهی خودخواه، بی خرد، متکبر و مستبد است که با وجود مخالفت پیران با قتل ناجوانمردانه سیاوش – با افراسیاب پیمان صلح بسته بود و به خاطر این پیمان، به ایران و پادشاهی

Archive of SID

www.SID.ir

ایران پشت کرده و به توران پناهنده شده بود، آغازگر جنگ های طولانی بین توران و ایران شد و در نهایت توران را به ویرانی کشاند زیرا در شاهنامه «شهریاری با پیمان شکنی سازگار نیست و اگر شهریار پیمان شکند، جنگ و بیداد و ویرانی کشور اجتناب‌ناپذیر خواهد شد» (پرهام، ۱۳۷۰: ۱۰۲).

افراسیاب حتی در جنگ تن به تن میان رستم و فولادوند که تعهد کرده اند هیچ یک از اطرافیان در نبرد آن دو دخالت نکنند، فرزند خود شیده را می‌فرستد تا به فولادوند بگوید اگر رستم را شکست داد و او را بر زمین زد او را به قتل برساند. پیران نیز با وجود سرشت نیکی که دارد و همواره سعی می‌کند تا خوی سرکش و عاصی افراسیاب را تا حدودی آرام کند، از فریب و دروغ برکنار نیست و در این جنگ دو بار سپاهیان ایران را فریب می دهد و می‌گوید به افراسیاب پشت خواهد کرد و به نزد کیخسرو خواهد آمد اما در واقع تلاش می‌کند تا از فرصت استفاده کند و به آماده کردن سپاه بپردازد:

فراوان فریبش فرستاده‌ام — ز هر گونه‌ای پندها داده‌ام
سپاهی ز جنگاوران برگزین — که بر زین شتابش بیاید ز کین
مگر بومشان از بنه برکنیم — به تخت و به گنج آتش اندر زنیم
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۲۴)

افراسیاب و مشاوران دربار او پس از آگاهی از نقشه پیران برای فریب سرداران لشکر ایران، او را ستایش می‌کنند و این اقدام او را نشانه زیرکی و خردمندی او می‌دانند و لشکری گران برای یاری پیران به رود شهد می‌فرستند. پیران نیز با دیدن لشکر، عهد و پیمان خود را فراموش می‌کند و به ایرانیان اعلام جنگ می‌کند:

ز پیمان بگردید وز یاد عهد — بیامد دمان تا لب رود شهد...
که پیران نداند سخن جز فریب — چو داند که تنگ اندر آمد نهیب
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۲۵)

تورانیان علاوه بر فریب، دروغ و پیمان شکنی با جادوگری نیز ارتباط دارند. در نبرد

Archive of SID

www.SID.ir

ایرانیان با تورانیان وقتی پیران از نفوذ در سپاه ایران ناامید می‌شود دستور می‌دهد جادوگری به نام بازور که در سپاه توران بود. برف و سرمای شدیدی بر سپاهیان ایران فرود آورد تا آنان نتوانند به نبرد ادامه دهند. بدین ترتیب، با جادوگری بازور، بسیاری از ایرانیان کشته شدند. در اندیشه فردوسی ایرانیان با نیروهای اهورایی و نیک ارتباط دارند و با خورشید و گرما نسبتی نزدیک دارند، برخلاف تورانیان که با اهریمن و بدی و هرچه منسوب به اوست از جمله سرما و تاریکی پیوند دادند.

تمام مواردی که ذکر شد، مضامینی است که در ذیل دو مضمون اصلی نبرد خیر و شر در این داستان به نمایش گذاشته شده است. دعا و مناجات با پروردگار، توکل به خدا، وطن دوستی و دفاع از ایران در برابر بیگانگان، دفاع از مظلوم در برابر ظالم، گرفتن انتقام مظلوم از ظالم با تاکید بر بی گناهی سیاوش، پرهیز از خشم، نکوهش غرور، امیدواری و یاس، از دیگر آموزه‌های اخلاقی و تعلیمی مطرح شده در این انیمیشن است.

۲. مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم

یکی دیگر از درونمایه‌های مهم قصه‌های شاهنامه مبارزه با ظلم و دفاع از حق مظلوم است زیرا در آیین ایرانی همواره باید با ظالم جنگید و مظلوم را یاری داد. هر چند درونمایه نبرد با ظالم و دفاع از حق مظلوم در کل انیمیشن قصه های شاهنامه به وفور تکرار می‌شود اما می‌توان از دو مورد نام برد که این درونمایه حضوری پررنگ‌تر دارد: ابتدا در داستان نبرد رستم با کافور که در داستان نبرد ایران و توران قرار دارد؛ وقتی رستم با سپاهیان ایران به سمت شهر گنگ که مقر فرمانروایی افراسیاب است حرکت می‌کنند، به شهری به نام بیداد می رسند که حاکم ظالم و ستمگری به نام کافور دارد. کافور نماینده افراسیاب است و به موجب حدیث «الناس علی دین ملوکهم»، به خوبی نشان دهنده خوی و خصلت وحشیانه افراسیاب است. فردوسی مردمان شهر بیداد را

Archive of SID

www.SID.ir

این گونه توصیف می‌کند:

همه خوردنیشان ز مردم بدی — پری چهره‌ای هر زمان گم بدی
به خوان چنان شهریار پلید — نبودی جز از کودک نارسید
پرستندگانی که نیکو بدی — به دیدار و بالا بی آهو بدی
از آن ساختندی به خوان بر خورش — بدین گونه بد شاه را پرورش
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۲۷۱)

در انیمیشن قصه‌های شاهنامه، راوی، مردمان این دژ را مردمانی خونخوار و تندخو معرفی می‌کند، که به مردمان شهرها و روستاهای اطراف ستم می‌کردند. کافور و مردمانش در دژی استوار و سر به آسمان برافراشته مسکن گزیده بودند. دژی که رفعت و عظمت و نفوذ ناپذیری آن در فیلم با استفاده از تکنیک‌های سینمایی به خوبی نمایش داده شده است.

کارگردان نمایی (shot) از دیوارهای رفیع و بسیار بلند دژ را به نمایش می‌گذارد؛ به گونه‌ای که تمام فضای صحنه از تصویر دژ پر شده است. همچنین با نمایش کلوزآپ (Close-up) تصویر کافور و حرکت دوربین از پایین به بالا، سعی می‌کند مهابت و خونخواری او و مردمانش را به نمایش بگذارد. کافور و دژ رفیع و نفوذناپذیرش به راستی تداعی‌کننده قلعه‌های جادوگران ستمگر در فیلم‌های کودک و نوجوان است. به نظر می‌رسد کارگردان با توجه به نوع مخاطب این سریال که کودکان و نوجوانان هستند، به خوبی توانسته است با این ترفند سینمایی، ددمنشی کافور و سربازانش را به نمایش بگذارد. به علاوه توضیحات راوی درباره نفوذ ناپذیری زره‌های سربازان کافور در برابر نیزه‌های ایرانیان، از جمله افزوده‌های کارگردان است برای این که به سپاهیان کافور گونه‌ای خصلت اهریمنی دهد. سربازان ایرانی به گستهم می‌گویند: «این وحشیان مانند دیو می‌جنگند و ما نمی‌توانیم در برابر آنان ایستادگی کنیم. آنان خونخوار هستند و با چنگ و دندان و تیغ و سنان می‌جنگند. ما توان مقاومت در برابر آنان را نداریم».

Archive of SID

www.SID.ir

گستهم از سربازانش می‌خواهد که به این خونخواران نزدیک نشوند و از دور آنان را تیرباران کنند. افزودن این گفتگو به این بخش از داستان علاوه بر معرفی مردمان بیداد و وحشیگری آنان، جنبه فانتزی داستان را بیشتر می‌کند و داستان را با توجه به نوع مخاطب جذاب‌تر و مهیج‌تر می‌کند.

بخش دیگری که درونمایه دفاع از مظلوم را به خوبی منعکس می کند، داستان بیگناهی سیاوش، ظلم و ستم افراسیاب به او، قتل او به فرمان افراسیاب و انتقام جویی ایرانیان از تورانیان است که بخش بزرگی از حجم شاهنامه را به خود اختصاص داده و علت اصلی جنگ‌های دامنه‌دار ایران و توران است و در انیمیشن قصه‌های شاهنامه نیز به مراتب تکرار می‌شود. در فیلم، این بخش چندین بار با تکنیک‌های سینمایی به صورت تداعی ذهن و با نمایش تصاویری به صورت سیاه و سفید یا رنگی نمایش داده شده است. گاهی حتی بدون این که آن بخش در متن اصلی شاهنامه باشد، در فیلم گنجانده شده یا جابجا شده است. برای مثال در متن شاهنامه وقتی فرستاده پیران به نزد توس می‌رود و از مهربانی پیران با سیاوش و فرنگیس سخن می‌گوید، فردوسی یک بیت درباره ناراحتی توس به خاطر وضعیت پیران می‌سراید و بقیه داستان را از سر می‌گیرد:

دل توس غمگین شد از کار اوی بپیچید زآن درد و پیکار اوی

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۲۳)

اما کارگردان، داستان کشته شدن بی‌رحمانه سیاوش را به صورت مفصل از زبان راوی و با تکنیک‌های تداعی ذهن و فید (fade)، یعنی محو و آشکار شدن تدریجی تصویر نمایش می‌دهد[1]. افزوده شدن داستان کشته شدن سیاوش توسط افراسیاب، اسارت فرنگیس به فرمان افراسیاب، نجات فرنگیس و کیخسرو و حمایت و سرپرستی از کیخسرو در دوران کودکی توسط پیران، به منظور آگاهی دادن به مخاطب درباره وقایعی است که پیش از این اتفاق افتاده و سبب جنگ میان ایران و توران شده است.

Archive of SID

www.SID.ir

این اطلاعات همچنین برای آشنایی مخاطب با شخصیت پیران و مهربانی، نیکخـویی و خردمندی او و ددمنشی افراسیاب و حق به جانب بودن ایرانیـان بـرای کـین‌خـواهی از تورانیان ارائه شده است. این تصاویر به صورت رنگی نمایش داده شده است و با توجـه بـه این که سریال قصه‌های شاهنامه از بخش نبرد میان تـوران و ایـران شـروع مـی‌شـود، بـرای آگاهی مخاطب از علت وقوع جنگ میان ایرانیان و تورانیان بسیار مناسب و به‌جا است.

بار دیگر وقتی هومان به پیران می‌گوید که رستم تنها از او به نیکی یاد می‌کند زیرا او به سیاوش مهربانی کرده است، پیران بار دیگر با یک فـلاش‌بـک [۲] بـه گذشـته بـه یـاد سیاوش می‌افتد که از ایران به سرزمین توران پناه برده بود و پیران در تمام آن سـال هـا او را همچون پسر خود دوسـت مـی‌داشـت و پـس از مـرگ سـیاوش نیـز فـرنگیس و کیخسرو را از کینه‌جویی افراسیاب نجات داد. تـدوینگر در ایـن بخـش بـا وارد کـردن تدریجی کلوزآپ چهره سیاوش در صحنه و خارج کردن آرام چهره و تـصویر پیـران و ارائه تصاویر به صورت سیاه و سفید که با متن اصلی که به صورت رنگـی نمـایش داده شده، متفاوت است، سعی می‌کند وقایع گذشته را به اطلاع مخاطب برساند. مدت‌زمانی که این مضمون مهم در این بخش دربرمی‌گیرد حدود ۶۰ ثانیه است که در یک انیمیشن ۲۰ دقیقه‌ای مدت زمان بسیار طولانی است و حکایت از اهمیت آن نزد کارگردان دارد.

همچنین تدوینگر برای مظلومانه‌تر نشان دادن مرگ سیاوش، کلوزآپ چهره زیبای او را در حالی که خورشید در پشت سر او قرار دارد، نمایش می‌دهد که همان طور کـه در مورد کیخسرو گفته شد، جنبه تقدس و پاکی سیاوش را تداعی می‌کنـد. در چنـد مـورد نیز پیران افراسیاب را نفرین و نکوهش می‌کند که با کشتن سیاوش روزگار تورانیـان را سیاه کرده است؛ از جمله پس از شکست تورانیان از سپاه ایـران، وقتـی افراسـیاب از او چاره جویی می‌کند، پیران او را سرزنش می‌کند و افراسیاب بـه اشـتباه خـود در کـشتن سیاوش اعتراف می‌کنـد. کـارگردان در اینجـا نیـز خلاصـه‌ای از مـاجرای کـشته شـدن

Archive of SID

www.SID.ir

بی‌رحمانه سیاوش را از طریق تکنیک "مونتاژ تطبیق با گفتار" نشان می‌دهد.

۳. دعا و مناجات با خدا

شاید پس از درونمایه تقابل خیر و شر و دفاع از مظلوم، مهمترین درونمایه‌ای که در انیمیشن قصه‌های شاهنامه حضور دارد و کارگردان سعی کرده به شیوه‌های مختلف آن را در داستان بگنجاند، درونمایه دعا و نیایش به درگاه حق، کمک خواستن از او، اعتماد به نیروی عظیم و امید به رحمت بی‌حسابش است.

در شاهنامه ایرانیان در همه لحظات، یزدان پاک را در نظر داشتند و از او کمک می‌خواستند و پس از پیروزی او را سپاس و ستایش می‌گفتند؛ مانند مناجات توس و کمک خواستن از پروردگار برای رهایی از سرمایی که بازور جادوگر به وجود آورده بود: «ای یزدان پاک، در این سرمای سخت که با جادوی تورانیان به راه افتاده است تو فریادرس ما باش» یا مناجات و دعای گیو وقتی کاموس او را از اسب به زمین می‌اندازد: «ای یزدان پاک مرا یاری کن تا در برابر این دشمن خونخوار تاب آورم. کمکم کن که از این زخم که از نیزه آهنین او برداشته‌ام بتوانم برپای بایستم» یا مناجات رستم با پروردگار پس از شکست از شنگل: «ای یاران باید یزدان پاک را سپاس گوییم که امروز در این جنگ به ما آسیبی نرسید» و دعای کیخسرو پس از شنیدن خبر پیروزی رستم و ایرانیان بر تورانیان.

مضمون دعا و مناجات با خدا، در این داستان چنان حضوری قدرتمند دارد که حتی گاهی کارگردان برای تاثیر بیشتر بر مخاطب، این مضمون را به بخش‌هایی از فیلم می‌افزاید؛ وقتی سپاهیان ایران در اولین نبرد از سپاه توران شکست می‌خورند، گودرز می‌گوید: «امروز برای ما روز شومی بود اما باید پروردگار را سپاس‌گفت که به ما آن چنان توانی داد که در برابر آن همه سپاهی تورانی پایداری کردیم و هنوز زنده‌ایم».

Archive of SID

www.SID.ir

همچنین وقتی سپاه ایران روانه نبرد با تورانیان می‌شود، کیخسرو در حالی که دستانش را به آسمان بلند کرده است سپاه ایرانیان را به خدا می‌سپارد که حامی آنان باشد، در حالی که این دو بخش در متن اصلی شاهنامه نیست.

کارگردان و تدوینگر این سریال با هوشمندی کامل و آشنایی با فرهنگ ایرانی و استفاده از عناصر تقدس‌آفرینی چون خورشید، کوه، پرنده و درخت و به ویژه استفاده از مکمل‌های صوتی، توانسته‌اند برخی از صحنه‌هایی را که در متن شاهنامه، به صورت گذرا و یا به صورت تفصیلی بیان شده است، به زیبایی به نمایش درآورند. برای مثال در متن شاهنامه وقتی سپاه ایران بر سپاه توران پیروز می‌شود و سرداران ایرانی به کوه هماون می‌روند، رستم سرداران را جمع می‌کند و اعتراف می‌کند که وقتی سپاه توران به ویژه خاقان و کاموس را دیده، با خود گفته است:«زمان او به سرآمده زیرا تا حال چنین سپاهی با چنین ساز و برگی ندیده است و اکنون باید خداوند را سپاس گویم زیرا:

کنون گر همه پیش یزدان پاک — بغلتیم با درد یک یک به خاک
سزاوار باشد که او داد زور — بلنداختر و بخش و کیوان و هور
مبادا که این کار گیرد نشیب — مبادا که آید به ما بر نهیب
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۲۵۷)

کارگردان با استفاده از عناصری چون کوه، خورشید، پرندگان و آسمان آبی که جنبه‌ای نمادین دارند و رستم –به عنوان نماینده تمام مردم ایران و به ویژه با استفاده از مکمل‌های صوتی و موسیقی مناسب، این تصویر را بازآفرینی کرده است؛ به این صورت که رستم در میان دو کوه در حالی که رو به سوی خورشید دارد و دستانش را به سمت آسمان بلند کرده است، خداوند را برای این که آنان را با این عده کم بر لشکری پرشمار پیروز کرده است سپاس می‌گوید.گویی در این تصویر، پیوندی نزدیک بین رستم با خورشید و آسمان وجود دارد. آنچه در این سکانس و بسیاری از سکانس‌های فیلم بار معنایی کلمات را به دوش می‌کشد موسیقی است. به عبارت دیگر

Archive of SID

www.SID.ir

موسیقی در این بخش‌ها هم‌ردیف مکالمه شخصیت‌ها و به جای آن قرار می‌گیرد و «تصویر را تکمیل می‌کند» (جینکز، ۱۳۶۴: ۱۳۳).

در مقابل، سپاه توران هیچگاه از خداوند یاری نمی‌خواهند و بر نیرو و توان خود و تعداد بسیار سپاهیان خود تکیه می‌کنند و در نتیجه شکست می‌خورند؛ کاموس کشانی به سربازان خود می‌گوید «ای یاران از ایرانیان نترسید. ما بسیاریم و آنان اندک هستند، پس راه‌ها را بر آنان ببندید.

٤. دفاع از ایران

آموزه تعلیمی دیگری که در سراسر سریال تکرار می‌شود، دفاع از ایران در برابر مهاجمان بیگانه است. در اولین قسمت سریال، پهلوانان ایرانی با کیخسرو پیمان می‌بندند که تا پای جان از ایران دفاع کنند و با دشمنان بجنگند. توس می‌گوید: «اگر اجازه بدهی جان خود را در راه ایران فدا خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد که تورانیان پیروز میدان شوند.» دفاع از ایران هدفی است که تمام ایرانیان برای تحقق آن تلاش می‌کنند. کیخسرو نیز پس از پیروزی سپاه ایران بر سپاه توران، بر رستم نامدار و تمامی سربازان و سرداران ایرانی که چنین ایران را از آسیب دشمنان دور نگه داشته‌اند درود می‌فرستد و خداوند را سپاس می‌گوید. رستم به عنوان نیرومندترین محافظ ایران به کاموس کشانی می تازد و می‌گوید: «تو همان کسی هستی که می‌خواستی به ایران، سرزمین زیبای من بروی و آن را نابود کنی»؛ بنابراین نه تنها کاموس بلکه تمام کسانی که گوشه چشمی به این سرزمین زیبا داشته باشند به سرنوشت محتوم مرگ گرفتار می‌شوند.

۵. امیدواری و یاس

پهلوانان ایرانی چون همواره از خداوند یاری می‌خواهند، معمولاً به حمایت او امیدوارند و حضور او را در تمام لحظه‌ها در کنار خود احساس می‌کنند. وقتی سپاه

Archive of SID

www.SID.ir

ایران به فرماندهی توس از تورانیان شکست می‌خورد، توس از خداوند یاری می‌طلبد بنابراین مژده پیروزی، شب هنگام در عالم خواب به او داده می‌شود و توس سیاوش را در خواب می‌بیند که به او نوید پیروزی می‌دهد:

چنان دید روشن روانش به خواب — که رخشنده شمعی برآمد ز آب
بر شمع رخشان یکی تاج عاج — سیاوش بر آن تخت با فر و تاج
که ایرانیان را هم ایدر بدار — که پیروزگر باشی از کارزار
به گودرزیان هیچ غمگین مشو — که ایدر یکی گلستان است نو...
(فردوسی، ۱۳۸۵: ۴/ ۱۶۰)

کارگردان در این بخش به متن اصلی وفادار است. برای تاکید بیشتر، همزمان با نمایش خواب دیدن توس، راوی نیز بار دیگر ابیاتی را که دربرگیرنده این مضامین هستند قرائت می‌کند.

٦. نیک بودن ایرانیان

از دیگر مضمون‌هایی که کارگردان سریال به خوبی از آن بهره گرفته است و در ادامه تقابل نیکی و بدی در داستان مطرح می‌شود، مضمون نیک بودن ایرانیان است. نیکوکاری و نیک بودن از اندیشه‌های مرکزی فردوسی در شاهنامه است. در حقیقت «یکی از معیارهای اساسی بزرگی انسان و مقام بلند او در شاهنامه نیکی و نیکوکاری است» (ملا احمد، ۱۳۸۸: ۵۷). با توجه به تقدس و اهمیت کوه و اهمیت خورشید به عنوان نماد نور و روشنایی و پاکی در فرهنگ ایرانی- اسلامی ما و همراهی این دو با ایرانیان، استفاده از آن ها به عنوان نیروهای یاری‌دهنده ایرانیان، مضمون نیک بودن ایرانیان را تقویت می‌کند. سکنی گزیدن ایرانیان در کوه هماون و پناه بردن آنان به آن کوه و غیر قابل نفوذ بودن کوه در برابر تورانیان، بر پاکی و نیکوکاری آنان گواهی

Archive of SID

www.SID.ir

صادق است زیرا کوه در اندیشه‌های اعتقادی مسلمانان، به دلیل نزدیکی به آسمان جنبه‌ای مقدس دارد.

یکی از نکات عمده در بینش اساطیری کوه‌ها، قداست و جنبه اسرارآمیز آن‌ها در ارتباط با پروردگار است. «سکوت و بلندای پرشکوه این جلوه با عظمت طبیعت، راهی برای ارتباط جهان پست خاکی با عالم علوی گشته است» (جعفری‌کمانگر و مدبری، ۱۳۸۲: ۲). در شاهنامه، فردوسی هر جا سخن از عابدان و زاهدان و پرستش موبدان است از جایگاه پرستش آنان بر بلندای کوه‌ها نام می‌برد؛کوهی که قداستش، آنان را به خود فرامی‌خواند تا آرامش و سیر معنوی خود را در آن مکان جستجو کنند. فردوسی در همان ابتدای شاهنامه در سلطنت کیانیان، وقتی جمشید درصدد تقسیم‌بندی مردمان اهل زمانه خود برمی‌آید، کاتوزیان یا پرستندگان پروردگار را در کوه جای می‌دهد.

در تیتراژ ابتدای فیلم نیز نقش این دو عنصر طبیعی به خوبی نشان داده شده است؛ آرش کمانگیر و رستم پیلتن، دو نیروی مهم در ناخودآگاه جمعی ایرانیان هستند که اولی محدوده جغرافیایی ایران را تعیین کرده و دومی همواره از این محدوده محافظت کرده است. در عنوان‌بندی آغازین فیلم، آرش کمانگیر بر بالای کوه در حالی که خورشید پشت سر او قرار دارد، تیری پرتاب می‌کند و این تیر به رستم که بر بالای کوه دیگر ایستاده است و باز خورشید در پشت سر او جلوه‌گر است می‌رسد؛ گویی فاصله میان این دو کوه که فاصله مکانی محل طلوع و محل غروب خورشید را دربرمی‌گیرد، سرزمین ایران است؛ سرزمینی که همواره خورشید بر بالای آن می‌تابد و بسیار گسترده است.

نتیجه

آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی در انیمیشن قصه‌های شاهنامه یکی از اندیشه‌های محوری این فیلم است. نبرد خیر و شر مهمترین درونمایه اخلاقی انیمیشن است و مناجات با

Archive of SID

www.SID.ir

پروردگار، دفاع از مظلوم و مبارزه با ظلم، دفاع از ایران در برابر بیگانگان، نیک بودن و پرهیز از بدی، امید و توکل به پروردگار از جمله آموزه‌های تعلیمی است که در سراسر فیلم حضور دارد و با وجود این که انیمیشن در اقتباس کلی، به متن اصلی شاهنامه وفادار مانده است اما در زمینه اقتباس مفاهیم تعلیمی، بخش‌هایی به متن اصلی افزوده شده و در بخش‌هایی این مفاهیم بسیار پررنگ‌تر شده است.

کارگردان تلاش کرده تا با استفاده از امکانات تصویری و تکنیک‌های سینمایی مناسب، مفاهیم تعلیمی را به مخاطب منتقل کند. استفاده از تکنیک‌های شخصیت‌پردازی، استفاده از گفتار و رفتار شخصیت‌ها، فضاسازی و استفاده از نمادهای تقدس‌ساز در فرهنگ ایرانی، استفاده از تکنیک‌های فید، کلوزآپ، صدای خارج از تصویر و دیگر امکانات سینمایی در انعکاس مفاهیم تعلیمی نقشی اساسی بر عهده دارد. همچنین استفاده از دو راوی یعنی راوی درون فیلم و راوی قرائت‌کننده اشعار از دیگر ابزارهای کارگردان است. بهره بردن از این تکنیک‌ها برای آموزش مفاهیم تعلیمی به مخاطب به ویژه این که مخاطبان سریال کودکان و نوجوانان هستند، بسیار مناسب است.

از سوی دیگر موسیقی و مکمل‌های صوتی بخش مهمی از بار معنایی مفاهیم تعلیمی را به دوش می‌کشند و به اصطلاح تصویر را تکمیل می‌کنند، به این صورت که در بعضی از سکانس‌ها، موسیقی و تصویر پابه‌پای هم پیش می‌روند و در سکانس‌هایی دیگر، از جایی که تصویر رسالت خود را به پایان می‌رساند، موسیقی آغاز می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱- روشی تدریجی برای ختم یا شروع صحنه‌ای که معمولاً به عنوان وسیله انتقال از صحنه‌ای به صحنه‌ای دیگر به کار می‌آید، به این ترتیب که تصویری به تدریج محو می‌شود و تصویر دیگری جای آن را می‌گیرد. هر دو این محو و آشکار شدن تدریجی، مشخص‌کننده بروز شکافی در ماجرا، زمان یا مکان است و تماشاگر برای مدت کوتاهی با پرده سفید روبرو

Archive of SID

www.SID.ir

می‌شود. گاه هست که فیلم با آشکار شدن تدریجی شروع می‌شود و با یک محو تدریجی خاتمه می‌یابد (کینگزبرگ، ۱۳۷۹: ۲۷۵).

۲- فلاش‌بک نما، صحنه یا سکانسی است که نسبت به زمان حال فیلم، در گذشته اتفاق افتاده است. پس نگاه هم به عنوان بخشی از روایت و به نسبت توضیح موفقیت های امروزی یا به عنوان بخشی از شخصیت‌پردازی به کار می‌آید و گذشته او را به اطلاع می‌رساند (همان: ۳۱۴).

منابع

۱- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷). **اسطوره کیخسرو در شاهنامه، اسطوره متن هویت‌ساز**، تهران: علمی و فرهنگی.

۲- امامی، مجید. (۱۳۷۳). **شخصیت‌پردازی در سینما**، تهران: برگ.

۳- پرهام، باقر. (۱۳۷۰). «**مبانی و کارکرد شهریاری در شاهنامه و اهمیت آن‌ها در سنجش خرد سیاسی در ایران**»، نشریه علوم انسانی؛ ایران‌نامه، سال ۱۰، ش ۳۷: ۱۲۱- ۹۸.

٤- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۲). **گمشده لب دریا؛ تاملی در معنی و صورت شعر حافظ**، تهران: سخن.

۵- جانتی، لوییس. (۱۳۸۱). **شناخت سینما**، ترجمه ایرج کریمی، تهران: روزنگار.

٦- جعفری‌کمانگر، فاطمه؛ مدبری، محمود. (۱۳۸۲). «**کوه و تجلی آن در شاهنامه فردوسی**». فصلنامه پژوهش های ادبی، ش۲، پاییز و زمستان: ۷۳- ٦۳.

۷- جینکز، ویلیام. (۱۳٦٤). **ادبیات فیلم:جایگاه سینما در علوم انسانی**، ترجمه محمدتقی احمدیان و شهلا حکیمیان، تهران: سروش.

۸- حمیدیان، سعید.(۱۳۷۲). **درآمدی بر اندیشه و هنر فردوسی**، تهران: مرکز.

۹- خلیلی جهان‌تیغ، مریم؛ دهرامی، مهدی. (۱۳۹۰). «**ادبیات تعلیمی و تربیتی در شاهنامه فردوسی**»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، سال۳، ش ۱۱: ۵۸- ٤۱.

Archive of SID

www.SID.ir

۱۰- رزمجو، حسین. (۱۳۷۰). **انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی**، مشهد: آستان قدس رضوی.

۱۱- رضی، احمد. (۱۳۹۱). «**کارکردهای تعلیمی ادبیات فارسی**»، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، سال ٤، ش ۱۵: ۱۲۰- ۹۷.

۱۲- سرکاراتی، بهمن. (۱۳۷۸). **سایه‌های شکار شده، گزیده مقالات فارسی**، تهران: قطره.

۱۳- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). **انواع ادبی**، تهران: فردوس.

۱٤- ضابط جهرمی، احمد. (۱۳۸۷).**تصویر و توصیف سینمایی در شعر کلاسیک پارسی، مقالات اولین هم‌اندیشی سینما و ادبیات**، تهران: فرهنگستان هنر.

۱۵- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). **شاهنامه**، به کوشش سعید حمیدیان، تهران: قطره.

۱٦- کینگزبرگ، آیرا. (۱۳۷۹). **فرهنگ کامل فیلم**، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: حوزه هنری.

۱۷- محمودی، سید احمد. (۱۳۸۷). «**رنگ در قرآن کریم**»، فصلنامه بنیات؛ ش ۵۷: ۸۳- ۵۸.

۱۸- مشرف، مریم. (۱۳۸۹). **جستارهایی در ادبیات تعلیمی ایران**، تهران: سخن.

۱۹- ملا احمد، میرزا. (۱۳۸۸). **بیا تا جهان را به بد نسپریم (پیام اخلاقی حکیم ابوالقاسم فردوسی)**، تهران: امیرکبیر.

۲۰- یمینی، امیرمحمد. (۸۹-۱۳۸۸). **قصه‌های شاهنامه**، تهیه شده در شبکه آموزش، پخش از سروش سیما.

21-Cuddon.J. A.(1999). **Dictionary of literary terms and literary theory**. Fourth edition. London: penguin books.

Archive of SID

www.SID.ir